

کارگران انترناسیونالیست تحرکات ضد کارگری

محافل «بنیاد کار» و «کانون مستقل کارگری» را محکوم می‌کنند

سرقت ادبی و باج‌خواهی سیاسی اعضای «بنیاد کار»

مدتی پیش اطلاعیه‌ای تحت عنوان «علی اعتمادی دیروز و نادر شکیبای امروز» با امضای «جمعی از کارگران مهاجر» که بریده‌ای از مقاله «اتحادیه مستقل کارگران ایران به روایت چپ» مندرج در نشریه پیک انترناسیونالیستی شماره ۳ و ۴ نیز ضمیمه آن بود به دست ما رسید. آن‌گونه که از مضمون اطلاعیه مزبور برمیآید، این کار اقدامی بوده جهت افشای تحرکاتی که تحت نام «اتحادیه مستقل کارگران ایران» و سپس «کانون مستقل کارگری» در صف اپوزیسیون رژیم اسلامی جریان دارد. در اطلاعیه «جمعی از کارگران مهاجر» ضمن اشاره به حرکت تا کنونی «کانون مستقل کارگری» و تعویض نام این تشکل آمده است:

«ما نوشته‌ای را که در آن زمان در پیک انترناسیونالیستی شماره ۳ و ۴ تابستان ۱۳۷۷ در مورد ماهیت این حرکت انتشار یافته بود عیناً بازتکثیر کرده و این حرکت جدید را نیز دقیقاً ادامه حرکت گذشته آنان تحت نام «اتحادیه مستقل» میدانیم.»

سپس نیز این عده در قسمت پایانی اطلاعیه خود اعلام می‌دارند که:

«ما به این آقایان هشدار می‌دهیم که چنانچه از این حرکت توهم پراکنی و ایجاد جو بی‌اعتمادی خود دست برندارند. نام اصلی این «رهبر» را با اعمال گذشته‌اش، چه قبل از زندان و چه در زندان و بعد از آن به اطلاع عموم می‌رسانیم.»

جملات پایانی این اطلاعیه شایسته تأمل است. این جملات حکایت از آن دارد که صادرکنندگان اطلاعیه مزبور شناخت نزدیکی از رقبای خود داشته و گذشته او را به‌طور کامل می‌شناسند. نکته قابل‌توجه این است که «جمعی از کارگران مهاجر» با اشاره به اطلاعاتشان از فعالیت‌های زندان و بعد زندان نادر شکیبای، یادآور شده‌اند در صورتی‌که وی به تحرکات خویش خاتمه ندهد هویت و اعمال او را افشاء خواهند نمود. به عبارت دیگر اگر فرد موردنظر اینان به خواست «جمعی از کارگران مهاجر» پاسخ مثبت دهد، آنان دست به چنین کاری نخواهند زد. این یک باج‌خواهی سیاسی است. چنین اقدامی ریشه در منافع و رقابت‌های شخصی دارد. به احتمال قریب بهیقین، این کار حتی در همان مناسبات محفلی «بنیاد کار» نیز پنهان از دیده عده‌ای دیگر صورت گرفته است. باج‌خواهی سیاسی و اقدامات باندی در یک جمع به‌ناچار بر تبانی «دوستان نزدیک به یکدیگر» استوار می‌شود. این «سنت» شامل «پیش‌کسوتان بنیاد کار» نیز گشته است. جمعی که نه بر پرنسیپ‌ها و موازین سیاسی روشن و نه حول پلافرم و چشم‌انداز سیاسی، بلکه با اتکا بر روابط شخصی و دوستی‌ها وارد میدان سیاست شده، قابلیت تبدیل شدن به هر چیزی را دارد.

«جمعی از کارگران مهاجر» به تحلیلی توسل جسته‌اند که نه فقط افشاگر «اتحادیه مستقل»، بلکه در عین حال نقد تفکر بورژوایی اتحادیه‌گرایی نیز می‌باشد. اینان اما به شیوه یک سارق سیاسی، با برش و مونتاژ قسمت‌هایی از بحث که ناظر بر مشخصات صوری «اتحادیه مستقل» است، کوشیده‌اند تا از آن در راه اهداف خود سودجویند.

به دنبال این واقعه، «کانون مستقل کارگری» در مقاله‌ای تحت عنوان «چند سؤال از بنیاد کار» ضمن اشاره سربسته به تهدیدها و اطلاعیه مزبور، تعدادی از اعضای «بنیاد کار» را مسئول چنین اقدامی قلمداد کرد. «کانون مستقل کارگری» متقابلاً، در کمال خونسردی و آرامش، پاسخ صادرکنندگان اطلاعیه مزبور را به زبان مشابهی داد. نویسنده مقاله «چند

سؤال از بنیاد کار» با افشای ضمنی تماس نزدیک عضو «بنیاد کار» با رهبری خانه کارگر، وی را از به‌کارگیری «فرهنگ حذف» بر حذر داشت.

«جمعی از کارگران مهاجر» چه کسانی هستند؟

از آنجاکه «جمعی از کارگران مهاجر» با استناد به بریده‌ای از نقد افشاگرانه پیک انترناسیونالیستی به مقابله با طرف مقابل خود رفته، ما بر آن شدیم تا پیش از هر واکنشی، به هویت سیاسی صادرکنندگان این اطلاعیه دست‌یابیم. پس از تماس یکی از رفقای ما با یکی از اعضای «بنیاد کار»، یدالله خسروشاهی در تماسی با رفیق ما اشاره کرد که اطلاعیه «جمعی از کارگران مهاجر» به‌وسیله یک فرد هوادار تشکیلات کارگران انترناسیونالیست در انگلستان و در مشورت با او نگاشته و انتشار یافته است. خسروشاهی همچنین افزود که وی مخالف صدور چنین اطلاعیه‌ای بود، اما در حال این کار صورت گرفته است. فرد معرفی‌شده از طرف خسروشاهی اما چنین چیزی را از اساس کذب دانسته و در پاسخ به سؤال ما کتباً نوشت که:

«من آخرین باری که آقای خسروشاهی را به‌طور ناخواسته و آن‌هم در یک «صف» به مدت کمتر از دو دقیقه دیدم، حدود دو سال پیش بود و دیدارمان هم با یک سلام خشک و خالی به پایان رسید... من از اطلاعیه مزبور هیچ خبری ندارم و هرکسی که چنین ادعایی کند یک شارلاتان است.»

اگرچه یدالله خسروشاهی حاضر نشد تا شخصاً مسئولیت این اقدام را به عهده گیرد، اما وقایع بعدی به‌ویژه توضیحات فرد دیگری از اعضای کانون در مطلبی تحت عنوان «بساط امروز و دیروز تفاوت در نام» حاکی از آن است که این فرد خود مستقیماً و شخصاً در اقداماتی که تحت عنوان «اتحادیه مستقل کارگران ایران» صورت گرفته همکاری داشته و واسطه میان این حرکت و چند سازمان چپ بوده است. مروری بر جدل میان اعضای «بنیاد کار» و «کانون مستقل کارگری» از یکسو و توضیح یدالله خسروشاهی، دلالت بر این حقیقت دارد که سرقت ادبی و باج‌خواهی سیاسی ریشه در مناسبات باندی «بنیاد کار» دارد. کلیه شواهد حاکی از آن است که یدالله خسروشاهی و نزدیکان وی در «بنیاد کار» کوشیده‌اند تا جهت پیشبرد اهداف رقابت‌جویانه خود در پس امضای «جمعی از کارگران مهاجر» پنهان شوند؛ و البته این‌گونه اعمال ناپسند در نزد اینان عین «فعالیت کارگری» است.

«بنیاد کار» و «کانون مستقل کارگری» تشکلهایی ضد کمونیستی هستند

هر کس که نقد ما به «اتحادیه مستقل» و جایگاه تاریخی فعالیت اتحادیه‌ای در ایران را خوانده و شناختی نیز از تجمع «بنیاد کار» داشته باشد می‌داند که می‌توان به‌راحتی در آن مقاله، جای نام «اتحادیه مستقل» را با نام «بنیاد کار» عوض کرد. صرف‌نظر از نکات مربوط به مشخصات صوری این تشکلهای، نظرات پایه‌ای مطرح در نقد «اتحادیه مستقل کارگران ایران» یا «کانون مستقل کارگری» فعلی شامل فعالیت‌های «بنیاد کار» نیز می‌باشد. از همین رو نیز ما ضمن تأکید مجدد بر صحت تحلیل و موضع کمونیستی در قبال تحرکات ضدانقلابی «اتحادیه مستقل» سابق و «کانون مستقل کارگری» فعلی، اقدام ناپسند «بنیاد کار» را محکوم می‌کنیم. هدف چنین اقدامی، از میدان بدر کردن «رقیب» جهت کسب امتیاز در جنبش اصلاح‌طلبی داخل ایران می‌باشد. این وقایع همانند رقابت گرایشاتی از منشعبین حزب توده و توابع سابق گرد حزب اسلامی کار با محافل دیگری از طرفداران «توسعه»، انعکاسی از تشتت بورژوازی و جناح‌های هوادار آن در میان کارگران است.

کانون و بنیاد، تشابهات و تمایزات

هر فرد با آگاهی متوسط اجتماعی، در نیم‌نگاهی به انتشارات «کانون مستقل کارگری» و «بنیاد کار» درمی‌یابد که تشابهات و اشتراکات این دو حرکت بیش از اختلافات و تمایزاتشان است. نمای بیرونی انتشارات و اظهارات هر دو تشکل حاکی از آن است که عده‌ای «کارگر» به‌دور از اهداف یا پلتفرم سیاسی روشنی می‌کوشند تا اعتراضات کارگری داخل ایران را تقویت سازند. مشاهده گفته‌ها و بریده‌های نشریات کارگری داخل و اخبار روزنامه‌های جناح‌های طرفدار اصلاحات و توسعه در لابه‌لای انتشارات در هم‌بهرم این عده، یک ناظر خارجی را متقاعد می‌سازد که اینان شاید «به دلیل نداشتن استراتژی و چشم‌انداز سیاسی مشخص» گهگاه به طرز خطرناکی دست به «اقدامات ناسنجیده زده» و با

جناح‌های رژیم اسلامی و محافل حول و حوش خانه کارگر همسویی می‌کنند. یک ناظر خارجی غیر مسلح به نگرش مارکسیستی، ممکن است که حتی از این روش «فعالیت خودبه‌خودی» این «کارگران» تأسف نیز بخورد. این تصویر اما صوری و غیرواقعی است. این همان چیزی است که سازمان دهندگان اصلی «بنیاد کار» و «کانون مستقل کارگری» در پی آن هستند.

اگرچه هر دو تشکل از ارائه هرگونه پلاتفرم سیاسی خودداری ورزیده و در نوشته‌هایشان خود را چپ قلمداد نمی‌کنند، اما در پس این تشکل‌ها کادرهای سیاسی سابق برخی از سازمان‌های چپ ایران قرار دارد. فعالین این دو تشکل به همان میزان کارگر هستند که بسیج کارخانه و اعضای انجمن اسلامی و کادرهای حزب توده در کارخانجات کارگر بوده‌اند. هر دو تشکل دارای اهداف سیاسی بسیار سنجیده‌ای بوده و از سنت سیاسی مشخصی دفاع می‌کنند. تلاش و همسویی این تشکل‌ها برای پیشرفت استراتژی «سیاست‌زدایی» در جنبش کارگری در پوشش‌های مختلف، خود، سیاسی‌ترین اقدام بورژوایی در مقابله با اعتراضات کارگری در ایران است. هر دو تشکل در جهت استراتژی واحدی حرکت کرده و یا هدایت می‌شوند؛ اما در شیوه و سنن موجود در این استراتژی اختلاف دارند. یکی طرفدار واردکردن و «تزریق فرهنگ اتحادیه‌ای به جامعه کارگری»، کنترل از بالا و پیشبرد اهداف مشخصی در این مسیر است و دیگری اعتقاد به رشد چنین فرهنگی در درون حرکات کارگری داشته و سنت «اصیل کارگری» را به شیوه دیگری پیش می‌برد. سنتی که در تاریخ نظری جنبش کارگری اروپا در یک جمله خلاصه شده است: جنبش موجود همه‌چیز، هدف هیچ‌چیز.

مهم نیست که این محافل چگونه به این جهت‌گیری رسیده‌اند. در نزد فدایی اکثریت، در مکتب حزب کمونیست کارگری، یا در دانشگاه‌های لاجوردی در زندان جمهوری اسلامی. مهم، جایگاه تاریخی و کارکرد این سنت در «استراتژی سیاست‌زدایی جنبش اصلاح‌طلبی» در ایران است.

بخش غالب نوشته‌ها، انتشارات و جهت‌گیری هر دو تشکل مبتنی بر نشریات یا اخبار «مسائل صنفی کارگری» در داخل ایران است. سازمان دهندگان اصلی هر دو تشکل، مخالف دخالت سازمان‌های سیاسی و اعمال هژمونی سازمان سیاسی بر «حرکت صنفی» کارگران هستند. «بنیاد کار» و «کانون مستقل کارگری» وارثین مفلوک یک تاریخ مشترک هستند. یک تاریخ مبارزه علیه کمونیسم، علیه کارگر، تحت نام کمونیسم و کارگر. امروز اما اینان در تلاقی جنبش اصلاح‌طلبی داخل و سازمان‌یابی مبهم محافظی از زندانیان سابق در گرد حزب کار اسلامی به چنین منجلا ب سیاسی در غلطیده‌اند. اقدام اعضای «بنیاد کار» در باج‌خواهی سیاسی از رقیبانشان با سوءاستفاده از مباحث کمونیستی شرم‌آور است. توسل به نقد و منطق کمونیستی، به‌وسیله فعالین کارگری سابق چپ متمایل به سوسیال‌دمکراسی، حتی با فرضیه عقب راندن محافل وابسته به جناح‌های حزب کار اسلامی و خانه کارگر، یک عمل ناپسند است.

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست تحرکات ضد کارگری «بنیاد کار» و «کانون مستقل کارگری» را محکوم می‌کند.

فروردین ۱۳۸۱

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست